



انتقاد وزیر ارشاد از نمایش خانگی

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین پایانی ششمین جایزه پژوهش سینمای ایران که سه‌شنبه، ۱۲ دی‌ماه در تالار رودکی برگزار شد، به حق نظارت سازمان سینمایی بر شبکه نمایش خانگی تاکید و این سازمان را تنها متولی سینما در کشور دانست. اسماعیلی بیان کرد: «شبکه نمایش خانگی جزو سینماست، ما هم نسبت به آن انتقادات جدی داریم و باید تنظیم‌گری شود. آن‌ها تبلیغات خیابانی هم دارند. ما نمی‌توانیم نسبت به خشونت، تزلزل ارزش‌های خانوادگی و... بی‌توجه باشیم، گرچه خانواده ایرانی از منظر ارتباطات خانوادگی و استحکام در دنیا بی‌نظیر است، اما در شبکه نمایش خانگی به چه‌شکلی به نمایش گذاشته می‌شود!» اسماعیلی گفت: «نظارت آثار در سکوهای نمایشی، کار سازمان سینمایی است. درباره حقوق مخاطبان سینما هم بررسی‌هایی انجام می‌دهیم تا نظام تنظیم‌گری سینما نیز تغییر کند و این به سینمای خانگی هم می‌رسد؛ چون ما به سینمای خانگی انتقاد جدی داریم که برخی حواشی آن در حوزه تنظیم‌گری است.»



۱۹ دی‌ماه زمان برگزاری دادگاه قتل مهرجویی

سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرده است، پرونده قتل داریوش مهرجویی هم‌اکنون در دادگاه کیفری یک استان در حال رسیدگی است و اولین رسیدگی آن در روز ۱۹ دی‌ماه سال جاری خواهد بود. فارس ضمن اعلام این خبر نوشت، در نشست خبری مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضائیه که روز سه‌شنبه ۱۲ دی‌ماه با حضور خبرنگاران رسانه‌های مختلف برگزار شد، در خصوص آخرین جزئیات پرونده داریوش مهرجویی گفت: «پرونده با تکمیل تحقیقات و اخذ آخرین دفاع از ۴ متهمی که در پرونده هستند، متضمن کیفرخواست قانونی به دادگاه صالح ارسال شد.» ستایشی ادامه داد: «زمانی که این موضوع مطرح شد، رئیس محترم قوه قضائیه مقرر فرمودند که پرونده در عین سرعت و توجه ویژه به مؤلفه‌های دقت و صحت، مورد رسیدگی واقع شود و طبق اطلاع‌رسانی قبلی در کمتر از ۲ ماه، این مهم صورت پذیرفت.»



درگذشت صدایشه انیمیشن برنده اسکار

آنا اوفلیا مورگویا، بازیگر مکزیکی که صدایشگی شخصیت اصلی انیمیشن برنده اسکار «کوکو»، محصول استودیو پیکسار کمپانی دیزنی را برعهده داشت، در ۹۰ سالگی درگذشت. ایسنا ضمن اعلام این خبر به نقل از گاردین نوشت، فعالیت هنری مورگویا که در سال ۱۹۲۳ در مکزیکوسیتی به دنیا آمد، برای هنرهای نمایشی مکزیکی حیاتی بود. او در سال ۲۰۱۷ در انیمیشن «کوکو»، صدایشگی ماما کوکوی سالخورده را برعهده گرفت؛ انیمیشنی که داستان پسر جوانی را دنبال می‌کند که در تعطیلات مکزیکی به سرزمین مردگان می‌رود و راز بزرگ خانوادگی را فاش می‌کند. «کوکو»، برنده دو جایزه اسکار برای بهترین انیمیشن بلند و بهترین ترانه اصلی شد. مورگویا قبل از صدایشگی در انیمیشن برنده اسکار، در مکزیکی چهره‌ای شناخته‌شده بود و در بیش از ۱۰۰ نقش که بیش از هفت دهه تئاتر، سینما و تلویزیون را دربرمی‌گرفت، اغلب نقش منفی را ایفا می‌کرد.



چرا باید همه در مورد **شیخ فضل‌الله نوری** مشروعه خواه و **علامه نائینی** مشروعه خواه و **میرزا ملکم خان** تجدد خواه حرف بزنیم؟ ما را یاد عوای صاحب عروه (سید محمد کاظم طباطبایی یزدی) و صاحب کفایه (**آخوند خراسانی**) و صاحب روزنامه قانون (میرزا ملکم خان) چه کار؟ این که **مصدق**، مصدق السلطنه است یا دکتر محمد مصدق، الزاماً به همه ما ربط دارد؟ چند بار باید این موضوع را که مهندس **مهدی بازرگان**، میانه رویی لیبرال و نیک سیرت بود یا فردی سست که نتوانست جریان سازی دموکراتیک کند، به محک سنجش و نقد گذاشته شود؟ چرا خدمات و خیانت‌های علی شریعتی را رها نمی‌کنیم؟

دست از نمیش قبر برداریم

گفتاری در نقد رمانتیسیم و تاریخ‌زدگی ایرانیان

دموکراتیک کند، به محک سنجش و نقد گذاشته شود؟ چرا خدمات و خیانت‌های علی شریعتی را رها نمی‌کنیم؟ چقدر دیگر می‌خواهیم مطالبی را از کتب و آثار کلاسیک استخراج کنیم که تن نویسنده و واضع آن را در گور بلرزاند؟ هر سال به هر مناسبت نیش قبر رسمی و گروهی داریم! رندانه کاشف الغطا و کاشفا الاسرار می‌شویم و به خود می‌داریم. آیا بس نیست؟ حال شاید جای طرح این مسئله باشد که چرا باید این حجم از سرمایه و انرژی که می‌تواند صرف آینده بشود در گورستان‌های تاریخ حرام می‌گردد. مرده‌پرستی را ترویج نکنیم! مگر ما گورکنان تاریخ هستیم! تا کی و کجا جفا و ستم به مفاخر و آثار تمدنی و هویتی خویش را می‌خواهیم ادامه بدهیم؟ این وظیفه‌انگاری در باب کشف و شهود در آثار متقدمین کی و کجا به ما تفویض شده است؟ مردم ایران در کجای تاریخ و طی چه رفتارندومی به ما رسالت نیش قبر مفاخر و بزرگان خویش را به این سبک مبتذل و سبک‌مایه داده‌اند؟ البته اگر برای مردم چنین جایگاهی قائل باشیم!

به فکر تولید فکر جدید باشیم
خوردن از پیاله گذشتگان به جای تولید فکر مستقل و جدید را پایان بخشیم. به جای هر روز کشف تازه در اندیشه دیگرانی که دیگر میان ما نیستند و نمی‌توانند خود را بازگو کنند، به تولید اندیشه و اثر پردازیم. این روند تفسیرگرایی موجود نوعی تقلید است. ما نهایتاً مقلدین خوبی هستیم و نه مولدینی ارزشمند. صاحب مکتب و اندیشه بشویم و نه صاحب کتب و مقالات و سخنرانی‌های تفسیر و تأویل. برای خود هویت تعریف کنیم، نه اینکه وامدار هویت دیگران باشیم. معنابخشی کنیم و نه چپاول و استحصال معنا از پیشینیان. برای تاریخ علم و دانش و معرفت، ارزش افزوده تولید کنیم به جای مکیدن خون و روح آن. بیایید بگذاریم بازشناسی و تحلیل حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی به‌ویژه تاریخ، فلسفه و اندیشه نیز همانند علوم

صیروت و «شدن» امری بطلنی و زمانبر است و برای شناخت آن باید به دیروز بازگشت نمود. جدال و دعوی فکری و نگرشی لازم است. مکاتب و جریان‌های متعددی باید به گرد انواع ادراک و فهم گذشته سامان بیاید. قرار نیست به خوانش و روایت یگانه‌ای از امور و وقایع برسیم. جنگ روایت‌ها را باید در باب گذشته به راه انداخت. قرار هم نیست همه فلان شخصیت تاریخی را الزاماً دوست داشته یا بد بداریم. حافظه تاریخی و ناخودآگاه جمعی ما می‌تواند انباشته از صور و ایمازهای متفاوت یا در برخی مواقع متضاد و مناقض باشد.

باز بینی گذشته؛ ضرورت یا پرستی؟
طی چند سال اخیر به‌ویژه در مورد وقایعی همچون انقلاب و عصر مشروطیت، کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، دوم خرداد ۱۳۷۶، سالگرد درگذشت شخصیت‌ها و رجالی و... بیننده موج گسترده و اغراق‌گونه‌ای از نشست‌ها و میزگردها هستیم. گویی همه بر خود فرض می‌دانند در این باب بنویسند و بگویند. این یک پرستی است! و البته منبع شهرت و اشتها، مطرح شدن و دیده شدن و صد البته درآمد و غنای مالی هر چند مختصر. این موضوع واقعاً مشمئزکننده است. جامعه آکادمیک و علمی ما در برخی موارد با اغراق در پرداختن به یک موضوع، آن نیز با صورتی سطحی و کم‌مایه، در حقیقت آن موضوع و مقوله را از درون پوک و خشک می‌کند. چرا باید همه در مورد شیخ فضل‌الله نوری مشروعه‌خواه و علامه نائینی مشروعه‌خواه و میرزا ملکم خان تجدد خواه حرف بزنیم؟ ما را یاد عوای صاحب عروه (سید محمد کاظم طباطبایی یزدی) و صاحب کفایه (آخوند خراسانی) و صاحب روزنامه قانون (میرزا ملکم خان) چه کار؟ این که **مصدق**، مصدق السلطنه است یا دکتر محمد مصدق، الزاماً به همه ما ربط دارد؟ چند بار باید این موضوع را که مهندس مهدی بازرگان، میانه‌رویی لیبرال و نیک‌سیرت بود یا فردی سست که نتوانست جریان‌سازی



امیر رضایی‌پناه
دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی

همین آغاز کار تصریح بشود که نگارنده این سطور نه نافی لزوم بازاندیشی و مراجعه پیوسته و پویا به میراث فکری و آثار و مفاخر علمی و دانشی است، نه زحمات مفسران اصیل و صاحب سبک و اندیشه را انکار می‌نماید. هر شخصیت، گروه یا نخله فکری که با روش‌شناسی و متدولوژی علمی سراغ موضوعات و مسئله‌ها رفته و خروجی و برنودان علمی و دانشی تدوین کرده است، قابل تقدیر و ستایش است. هم باید گذشته را خواند، هم باید بدان نگاه انتقادی داشت، هم گذشته چراغ راه آینده است، هم توسعه و پیشرفت در آینده منوط به فهم تراش فکری است، هم کاستی‌ها و نارسایی‌ها به دلیل ضعف و فتور علمی و تاریخی است و هم همه آن بدیهیات دیگری که همه می‌دانیم.

بی‌تردید آینده از گذرگاه گذشته می‌گذرد. امور سیاسی و اجتماعی نه اموری دفعی و صدفه‌ای، که برآیند تاریخ و روزگار پیش از اکنون هستند. برای فهم اکنون باید روندهای گذشته را شناخت و آن‌ها را تحلیل کرد. رخدادهای پیشینی یکی از مهم‌ترین کلیدها برای گشودن قفل مناسبات کنونی است؛ اگر نگوییم که شاه کلید آن است. هویت حال ما، رهاورد شخصیت و محیطی است که از پیش از چشم به جهان گشودن و از دوران تحولات ژنتیک به ما رسیده است. جوانی و بالندگی هر فرهنگ، تمدن و ملت‌دولت از دوران کودکی، نوجوانی و نیز ادوار پیری و اضمحلال گذشته برآمده است؛ بنابراین باید آن را مطالعه و تحلیل آسیب‌شناسانه کرد.

پس بخوانیم تاریخ را، مطالعه کنیم آثار را، قدرشناسانه بشناسیم مفاخر و اشخاص را، ریشه‌یابی کنیم انگاره‌ها و مفاهیم را، فهم کنیم ناخودآگاه و حافظه جمعی را، تحلیل کنیم رویدادها و رخدادهای گذشته را، فهم سیستماتیک و مبنایی از گذشته شفابخش و نجات‌بخش است. این موضوع از رسالت‌های بنیادین و اساسی علوم انسانی و علوم اجتماعی به‌شمار می‌آید.

